

عنوان مقاله: رویکرد کننده در ماجرای ذونواس

نویسنده: محمدرضا رحمتی

منبع: تاریخ سال پنجم ۱۳۸۳ شماره ۶ و ۷

صص ۱۰۱-۱۱۰

چکیده



موقعیت حمیر

- در حدود سال های ۵۱۸ تا ۵۲۵ میلادی، ذونواس، شاه حمیری بر آن شد تا با ترسا ستیزی و گسترش یهودیت، از نفوذ حبشه و بیزانس در یمن بکاهد. مسئله اصلی آن است که چرا به رغم حمایت بسیاری از مردم یمن از این سیاست، قبیله کنده با آن مخالفت ورزید؟ بررسی نکاتی چون جایگاه بازرگانی عربستان در آن هنگام، تلاش و رقابت دو ابرقدرت ایران و روم برای نفوذ در آن سرزمین، اهداف ذونواس و جایگاه کنده رد شبه جزیره، قدرت و استراتژی قبیله یاد شده، راهگشای حل مسئله است.

واژه های کلیدی:

- تجارت، عربستان جنوبی و دریای سرخ، ذونواس، لخمیان، نجران، اخدود، جاده عطریات، معدی کرب.

• در سده های میانی میلادی و پس از آن، قبیله کنده در عربستان میانی و حضر موت به ویژه و در سراسر شبه جزیره عربستان، جایگاهی نیرومند و قدرت بسیار داشت. آن قبیله با شاهان حمیری یمن خویشاوند و هم پیمان دیرین آنان بود. ولی سیاست ذونواس برای پایان دادن به نفوذ حبشه و بیزانس در یمن، به نفوذ دیگر ابرقدرت آن روزگار، ایران ساسانی در آن سرزمین می انجامید و این با استراتژی کنده نا همسو بود. بدین روی، قبیله یاد شده با ذونواس همراهی نمود و به دشمنان (رومی و) حبشی وی پیوست.

قبیله کنده در عربستان میانی و حضر موت



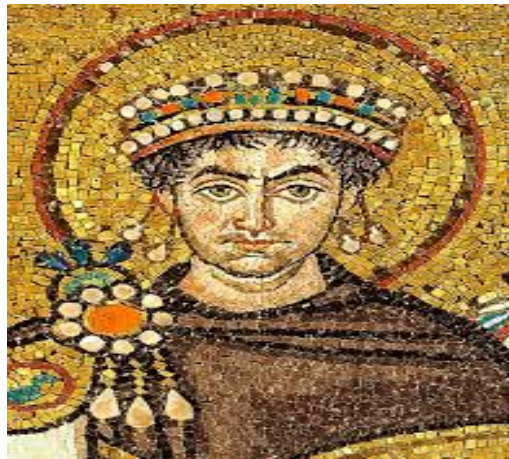
نینا ویکتوروونا پیگولوسکایا

• درباره این رویکرد کنده، تا کنون پژوهش مستقلی انجام نشده و مطالب در این باره اندک و بسیار پراکنده است. سنگ نبشت های یافت شده در عربستان و کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء، اثر حمزه اصفهانی از منابع اصلی به شمار رفته و در اثر ارزشمند دکتر پیگولوسکایا اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران، بررسی شده اند. هر چند، نوشته های این کتاب نیز در این باره، پراکنده و ناهمگون است. به هر روی، در این نوشتار، تلاش بر آن است که با بهره گیری از منابع کتابخانه ای، کتاب پیگولوسکایا و دیگر مطالعات، رویکرد یاد شده، به گونه ای در خور بررسی شود.

نا امن شدن راه فرات

- در قرن سوم میلادی، ساسانیان بر حوزه فرات سلطه کامل یافته و آن را امن ساختند. زان پس، کالاها از دریاهاى جنوب به دهانه خلیج فارس رسیده و در آن جا با کشتی از دجله و فرات عبور داده می شد و سپس با گذار از بیابان سوریه به بازارهای شام و کرانه های مدیترانه می رسید. جابه جایی کالا در مسیر برگشت نیز پر رونق بود و ساسانیان افزون بر بهره بازرگانی، درآمد ترانزیتی کلانی به دست می آوردند.

دجله و فرات



• ولی در آغاز سده ششم میلادی، نبردها میان ایران و روم در حوزه یاد شده، راه فرات را ناامن ساخت، در حالی که بازرگانی بیزانس، به ویژه تجارت ابریشم آن به این راه وابسته بود. ابریشم کالای مصرفی اشرافیت رومی به شمار رفته و در آن هنگام، ژوستینیان برای اهداف توسعه طلبانه خود در اروپا به درآمد پر سود آن نیاز وافر داشت.

ژوستینیان

- راه های خشکی در عربستان و آبراه دریای سرخ را دگر بار احیا کند. موفقیت امپراطوری در این راستا، به زیان ایرانیان می انجامید و این نکته ای است که در سطرهای پسین بدان خواهیم پرداخت.
- تلاش بیزانس برای دستیابی مؤثر به راه های عربستان به سلطه بر مصر بستگی داشت. و امپراطوری روم سراسر آفریقای مدیترانه ای، از جمله مصر را هم چنان در دست داشت. بدین روی، در همام آغاز سده ۶ میلادی، ژوستی نین اقدام آغاز کرد و شبه جزیره سینا، ایالات و عقبه را از نو، از آن روم ساخت.

- این سرزمین ها، کوتاهترین مسیر خشکی مدیترانه و دریای سرخ به شمار می رفت و بیزانس با سلطه بر آنها، توان دستیابی به راه های بازرگانی عربستان جنوبی و دریای سرخ را نیز یافت. در این راستا، ژوستی نین سفیرانی به دربار حبشه و حمیر، دو قدرت برتر منطقه گسیل داشت تا هم زمان با گشودن باب دوستی با آنها، برای یکپارچه نمودنشان به نفع امپراطوری در آن حوزه، تلاش کند.

حبشه و حمیر، دو قدرت برتر منطقه

پیمان کننده و بیزانس



- لخمیان دست نشانده ایران به حوزه یاد شده و راه های آن، همواره حمله می کردند. این در حالی بود که امکان استقرار سپاهیان رومی در آن جا وجود نداشت.
- ژوستی نین در اندیشه یافتن تکیه گاهی مطمئن در میان ساکنان منطقه برای برخورد با حمله های غافلگیرانه اخمیان و دیگر اعراب بود.

قلمرو امپراطوری بیزانس

- منطقه از آن قبیله کنده و راه ها در قلمرو آن جای داشت. حوزه نفوذ کنده در برگیرنده دست کم، سرزمین های نزدیک به عربستان میانی، کرانه های خلیج عقبه، ایلات، کرانه های دریای سرخ و فراسوی عربستانی آن بود. این حوزه، مجموعه ای واحد و برای رومیان مهم بود. مجموعه یاد شده، پایگاه و تکیه گاهی مطمئن در جنوب به شمار رفته و همانند کلیدی بود که راه های زمینی و دریایی عربستان جنوبی و حبشه را می گشود.

این حوزه، مجموعه ای واحد و برای رومیان مهم بود

- افزون بر اینها، کنده توان یکپارچه و امن نگه داشتن منطقه و راه ها را دارا بود و اگر با آن به توافق می رسید، دیگر نیازی به استقرار پادگان امپراطوری در عربستان نبود. ناگفته نماند که کنده، در گذشته ها، راه های بازرگانی را به نفع دولت حمیری هم پیمان وقت بیزانس تأمین می نمود. پس، ژوستی نین بر آن شد تا در عربستان، اتحادیه ای به رهبری کنده به زیان ساسانیان و دست نشاندهگان لخمی آنان پدید آورد.

توان یکپارچه و امن نگه داشتن منطقه و راه ها

• در این راستا، سفیران روم نزد کنده گسیل شدند. از دیگر سوی، کنده خواهان دستیابی به مواضع کلیدی در کرانه های عربستانی دریای سرخ بود. آن قبیله نیک می دانست که همراهیش با روم، امکان دستیابی به این هدف را فزونی می بخشد. بدین سان، کنده با بیزانس، حبشه و دولت حمیری یمن منافع مشترک یافت و به بازی سیاسی سه قدرت برتر آن روزگار: شاهنشاهی ساسانی، امپراطوری روم شرقی و حبشه وارد شد.

بیزانس، حبشه و دولت حمیری یمن

غوغای ذونواس

- از آنجا که لخمیان به حوزه نفوذ کنده حمله نموده و راه های بازرگانی را به زیان بیزانس، حمیریان و کنده نا امن می ساختند، نبرد کنده با لخمیان بایسته می نمود. در این باره، می توان از پیکار سال ۵۱۶ م، یاد کرد. ولی نخستین نقش برجسته کنده، در سده ششم میلادی، در رقابت ها میان ایران و روم، در ماجرای ذونواس یوسف نماد یافت، بهتر است بررسی در این باره، با زیان ایران در پی تغییرات یاد شده در راه ها، آغاز شود:

زیانکرد ایران

- سلطه بیزانس بر راه های زمینی و آبی عربستان جنوبی و حبشه و امن ساختن آنها، از رونق راه فرات، بسیار کاست. و از آنجا که بیشتر راه فرات از قلمرو ساسانیان می گذشت، کاهش آمد و شد در آن، دولت ایران را از درآمد ترانزیتی کلان باز داشت.
- این در حالی بود که خلیج فارس، مهم ترین گلوگاه بازرگانی کالاهای شرقی، از آن ایران بود. خلیج یاد شده، هم چنان اهمیت داشت و با بازارهای شام، ولی از راه هایی بیرون از حوزه اقتدار ساسانی، در ارتباط بود. افزون بر اینها، ایران بر شبه جزیره عربستان اشراف ژنوپلیتیکی و در مرزهای خاوری آن جای داشت. بدین سان، انگیزه شاهنشاهی برای دخالت در عربستان، و با هدف دستیابی به جایگاه های مهم ارتباطی و ایستگاه های حیاتی تجارت شرق و برتری دوباره در آن تجارت، منطقی می نمود.

گلوگاه بازرگانی کالاهای شرقی

هدف ذونواس

- هم زمان، در نجران رویدادهای مهمی در جریان بود: ذونواس، شاه حمیری یمن، از نفوذ حبشیان در سرزمین خود ناخوشنود و در اندیشه پایان بخشیدن نفوذ آنان در یمن تجاری بود. یمن جایگاه بازرگانی ممتازی داشت و حبشه خواهان دستیابی به بازارهای آن و توزیع کالاهای حبشی، بی مزاحمت حمیریان بود.
- **ذونواس دریافته بود که افزایش نفوذ حبشه با گسترش مسیحیت در یمن ارتباط دارد.** وی می دانست که ترسایان حمیری برای نجاتی پول و هدایا می فرستند. بدین روی، شاه حمیر بر آن شد تا با ترسازدایی، از نفوذ حبشه در سرزمین خود بکاهد.

• از آن جا که حبشه، هم کیش و هم پیمان بیزانس بود، نفوذ آن در یمن، به سلطه غیر مستقیم امپراطوری روم نیز در آن سرزمین می انجامد. پس، حبشه ستیزی شاه حمیر، بیزانس ستیزانه هم بود. هم از این روی، ذونواس برای دستیابی به هدف خود، به دیگر ابرقدرت آن روزگار، شاهنشاهی ساسانی نیاز یافت.

حبشه، هم کیش و هم پیمان بیزانس بود

حمایت ایران

- از دیگر سوی، نجران هم برای ایرانیان پر اهمیت بود. آن سرزمین، مرکز مسیحیت یمن به شماره رفته و در شبکه راه های زمینی عربستان، به ویژه شاه راه منتهی به عراق، جایگاهی ویژه داشت. در نجران، راه های شبه جزیره به یکدیگر می پیوستند. یک شاه راه با گذار از یمامه و دادی دواسر به عراقب و خلیج فارس می رسید. شاه راهی دیگر، از راه معروف زمینی و با عبور از مکه به شام می رسید.

نجران: مرکز مسیحیت یمن

- بدین سان، اگر ساسانیان بر نجران سلطه یا در آنجا نفوذ می یافتند، برتری در تجارت شرق، از نو، از آن آنان می شد. پس، ایرانیان بر آن شدند تا از ذونواس پشتیبانی نمایند. قرار شد منذر، امیر قدرتمند حیره و حافظ منافع ایران در عربستان، از ذونواس حمایت کند. منذر با بستن یک پیمان با شاه حمیری، متعهد به یاری رساندن به وی شد.



نجران

- ساسانیان برای رسیدن به اهداف خود، افزون بر مسیحیت نسطوری، از یهودیت نیز بهره می گرفتند. ناگفته نماند که از گذشته یک جامعه نیرومند یهودی در یمن می زیست. این جامعه با مرکز یهود در فلسطین ارتباط داشت و هر از چند گاه، نمایندگان از طبریه یه یمن گسیل شده و در آن جا ناآرامی هایی را بر می انگیختند.

• باری، برای اجرای موفق سیاست ایران و شاه حمیر، یهودیان بسیاری از حجاز به یمن کوچانده شدند. ذونواس که زان پس، یهودی شده و نام یوسف بر خود نهاده بود، برنامه یهودی کردن مسیحیان نجران را آغاز کرد. به دستور وی ترسایانی را که از آئین خود دست نمی کشیدند، در گودال های پر از آتش خدود می سوزاندند. بدین سان، منذر با یاری رساندن به ذونواس، توانست ائتلاف رومی میان حبشه و حمیر و نظارت آن ائتلاف بر دریای سرخ و راه های ساحلی آن به سود بیزانس را خنثی نماید. اوضاع منطقه به سود ایران و به زیان روم و حبشه دگرگون گشت.

**ذونواس که از آن پس، یهودی شده و نام یوسف
بر خود نهاده بود**

- دگرگون شدن اوضاع در منطقه باعث گردید تا پادشاه حبشه با اشاره ژوستی نین، آهنگ دخالت نظامی در یمن نماید. بهانه کالب (پادشاه حبشه) برای انجام این کار، جلوگیری از ادامه آزار ترسایان و هدف اصلی وی سلطه بر رنجران بود.

- نا گفته نماند که اقدام ذونواس، افزون بر بیزانس و حبشه، به زیان کننده نیز بود:
- استراتژی کننده، دستیابی آن و دورنگاه داشتن ایرانیان از آن جا بود. در حالی که اقدام ذونواس می توانست به نظارت لخمیان دست نشانده ایران بر دست کم، بخشی از جاده عطریات (طریق الطیب) و شاه راه عربستانی ابریشم بینجامد. بدین روی، کننده، افزون بر هم پیمان بودن با بیزانس، در آن مقطع تاریخی با آن امپراطوری منافع مشترک ویژه هم یافت. پس، آن قبیله می بایست با نیروهای حبشی همکاری می کرد:

شاه راه عربستانی ابریشم

- در غوغای ذونواس که از واپسین سالهای دومین دهه سده ششم میلادی آغاز و تا نیمه دهه سوم آن قرن (از حدود ۵۱۸ تا ۵۲۵ م.) ادامه یافت، داعیه سلطنت یکی از بزرگان ایرانی ستیز حمیر، به نام معدی کرب از سوی حبشه و بیزانس به رسمیت شناخته شد.

معدی کرب

• همراهی فعال و مؤثر کننده با معدی کرب و سرداران حبشی، به ویژه ابرهه، از همان آغاز نمایان بود. برای نمونه، قبیله یاد شده در نبرد شرحبیل، سردار حبشی با یوسف اسار (ذونواس)، به سال ۵۱۸ م.، در نجران و ظفار، نقش برجسته ای ایفا کرد. به هر روی، ذونواس کشته شد و یمن به سال ۵۲۵ م. به اشغال حبشه در آمد. بدین سان، کننده با یاری مؤثر خود به معدی کرب و نیروهای حبشی، از نفوذ ایران در شبه جزیره عربستان جلوگیری کرد و اوضاع به سود متحدین: بیزانس، حبشه و کننده، به حال نخست بازگردانده شد.

نبرد شرحبیل